

مهریه ای که با قتل خونین شد

مرد میانسالی که همسرش را مقابل چشمان پسر خردسالش به قتل رسانده بود، در حالی از سوی پلیس پایتخت دستگیر شد که آرام و خوسرد روی صندلی نشسته بود و سرگرم نوشیدن چای بود.

به گزارش ["مادران و دختران"](#) به نقل از «ایران»، ساعت 2 بعد از ظهر چهارشنبه 13 بهمن، زن جوانی هراسان با کلانتری 158 کیانشهر تماس گرفت و از قتل خواهرش خبر داد و گفت: من و خواهرم در یک ساختمان زندگی می‌کنیم. لحظاتی قبل پسر 6 ساله خواهرم هراسان و گریان به خانه من آمد و گفت که پدرش باهاون به سر مادرش کوبیده و سر او را شکسته است. پس از شنیدن حرفهای خواهرزاده ام، از آن جایی که می‌ترسیدم به تنهایی به خانه خواهرم بروم به همین دلیل از سرایدار خواستم همراهم بیاید، در خانه خواهرم نیمه باز بود وقتی وارد شدیم شوهرش در حالی که لیوانی چای بدست داشت روی نیمکت نشسته بود. هر چه از او سراغ خواهرم را گرفتم جواب نداد. به همین دلیل به جست و جو برای یافتن خواهرم پرداختم که ناگهان با جسد خونین او داخل سرویس بهداشتی مواجه شدم.

به دنبال این تماس، موضوع به بازپرس حبیب الله صادقی اعلام و تحقیقات به دستور بازپرس جنایی آغاز شد. وقتی تیم جنایی به طبقه ششم ساختمان محل جنایت در شهرک بروجردی کیانشهر تهران، رفتند با مرد میانسالی مواجه شدند که روی صندلی در اتاق پذیرایی نشسته و لیوانی چای در دستش بود. داخل سرویس بهداشتی نیز جسد همسرش افتاده بود. سر جسد شکسته و روسری‌اش نیز دور گردنش پیچیده شده بود.

در بازرسی از خانه، پرونده قضایی مربوط به دادگاه خانواده کشف شد. پرونده 70 صفحه‌ای مربوط به شکایت مقتول از همسرش و درخواست مهریه 114 سکه‌ای و نفقه بود. طبق مدارک موجود در پرونده، دادگاه با پرداخت مهریه از سوی همسر موافقت کرده بود و مرد میانسال از اوایل بهمن، مجبور به پرداخت ماهی یک سکه طلا شده بود.

شهریار، همسر مقتول در تحقیقات اولیه به قتل همسرش اعتراف کرد و گفت: 7 سال قبل ازدواج کردم، مدتی از ازدواج‌مان گذشته بود که اختلافات‌مان شروع شد. خواستم از همسرم جدا شوم اما با وساطت خانواده‌ها، از این تصمیم صرف نظر کردم. بعد هم که صاحب فرزند و به خاطر بچه مجبور به ادامه زندگی شدیم. با این حال اختلافات ما روز به روز بیشتر می‌شد تا اینکه همسرم به عنوان پرستار خانگی مشغول به کار شد. او از زنی سالخورده مراقبت می‌کرد که پایش شکسته

بود. از آنجایی که پیرزن تنها بود و نمیتوانست راه برود، همسر مجبور بود شبانه روز پیش او بماند و در هفته فقط یک شب به خانه می‌آمد و همین مسأله درگیری و اختلافات ما را بیشتر کرده بود. شهریار گفت: در همین گیر و دار همسر مهریه و نفقه اش را به اجرا گذاشت و محکوم به پرداخت مهریه شدم. در این مدت ماشین را به نام او کردم اما او از من می‌خواست که خانه را هم به نام او سند بزنم و من با این کار مخالفت کردم. نبود همسر در خانه و درخواست مهریه و اختلافات قدیمی، دست به دست هم داد که از همسر بیشتر عصبانی شوم. شب قبل از جنایت، وقتی او به خانه آمد باز هم دعوایمان شد. صبح روز بعد هم این دعوا ادامه داشت تا اینکه حدود ساعت 11 صبح وقتی همسر داخل آشپزخانه بود، درگیری ما بالا گرفت من با دسته هاون که داخل آشپزخانه بود محکم به سرش کوبیدم. پسر 6 ساله‌ام که شاهد این ماجرا بود، با دیدن صحنه از خانه فرار کرد و خودش را به خانه خاله‌اش رساند. همسر هم که از ناحیه سر مصدوم شده بود، برای گریز از دست من، به سمت سرویس بهداشتی فرار کرد. من هم به دنبال او رفتم و روسری‌اش را دور گردنش انداختم و خفه‌اش کردم. می‌دانستم دستگیر می‌شوم به همین خاطر لحظاتی بعد برای خودم چای ریختم و روی صندلی در سالن پذیرایی نشستم و منتظر ماندم تا پلیس بیاید و مرا دستگیر کند. الان هم پشیمانم و نمی‌دانم چه کار کنم.

به دستور بازرس شعبه چهارم دادرای امور جنایی پایتخت، متهم در اختیار کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی پایتخت قرار داده شد و تحقیقات در این خصوص ادامه دارد.